طرح اجمالي

|  |  |
| --- | --- |
| عنوان طرح | تأسيس پژوهشكده علوم انساني اسلامي |
| هدف طرح | تحوّل در علوم انساني رايج در كشور يكي از ضروريات نظام اسلامي است كه بيش از يك دهه مورد تأكيد و مطالبه مقام معظّم رهبري قرار گرفته، روندي كه بسيار طول كشيده و هنوز به نقطه قابل‌قبولي نرسيده است. هدف اين است كه با تأسيس و راه‌اندازي يك پژوهشكده كه به صورت تخصّصي در زمينه توليد علوم انساني اسلامي و اسلامي‌سازي اين علوم فعاليت نمايد، فرصتي براي تمامي فعالان اين عرصه فراهم شود تا گرد هم آيند و آرا و نظريات مقبول را جمع‌آوري كرده و تبديل به مدل‌هاي نظريه‌پردازي و‌ توليد علم نمايند.  اين پژوهشكده با تحليل و بررسي نظريه‌هاي موجود در موضوع علوم انساني اسلامي و تحوّل در علوم انساني، تلاش مي‌كند به جاي قرارگيري در عرض ساير نهادها و مؤسّسات پژوهشي، نقش هماهنگ‌ساز (Coordinator) را در اين عرصه بر عهده بگيرد. بر اين اساس، گروه‌هاي علمي فعّال در اين پژوهشكده به جاي تخصّص در خود علوم انساني، مانند: مديريت، اقتصاد، جامعه‌شناسي، روانشناسي و… كارشناس و انديشه‌ورز در رشته‌ها و دانش‌هاي واسط خواهند بود، مانند: آينده‌پژوهي، سياست‌گذاري، مديريت راهبردي، حكمراني و…. |
|  |
| ضرورت طرح | در عصري زندگي مي‌كنيم كه «ساختارها» كار مي‌كنند و نه «افراد». مشاهده مي‌كنيم كه بسياري از دانشمندان علوم اسلامي و علوم انساني از غربي بودن مباني علوم انساني رايج در جهان و همچنين مورد استفاده در داخل كشور دم مي‌زنند و آن را مانعي براي پيشرفت نظام اسلامي در مسير عدالت‌خواهي و تحقّق آرمان‌هاي الهي نظام مي‌دانند، اما در عمل آن‌چه محقّق مي‌شود چيزي جز آثار و نتايج اين علوم غربي نيست. روشن است كه با كار فردي و غيرمنسجم و بدون هماهنگي مطلوب حاصل نمي‌شود و نياز به يك قرارگاه و پايگاه هماهنگ‌ساز ديده مي‌شود. سال‌هاست كه اين علوم از غرب وارد كشور شده و در دانشگاه‌ها و مراكز آموزشي تدريس مي‌شوند و در مديريت نظام اسلامي به كار مي‌روند و تغيير و تحوّل محسوسي در آن‌ها صورت نپذيرفته است و همچنان با همان ساختار جهاني خود عمل مي‌كنند. پژوهشكده علوم انساني اسلامي مي‌تواند سبب همگرايي در اسلامي‌سازي علوم انساني شود. |
|  |
| نمونه‌هاي بيانات | «ما بايستي در علوم انساني اجتهاد كنيم؛ نبايد مقلد باشيم … حرف من اين است كه در باب علوم انساني كار عميق انجام بگيرد و صاحبان فكر و انديشه در اين زمينه‌ها كار كنند … مباني علوم انساني در غرب از تفكرات مادي سرچشمه ميگيرد. هر كس كه تاريخ رنسانس را خوانده باشد، دانسته باشد، آدمهايش را شناخته باشد، اين را كاملاً تشخيص مي‌دهد» (19/5/1390)  «همه‌ي دانشها، همه‌ي تحركات برتر در يك جامعه، مثل يك كالبد است كه روح آن، علوم انساني است. علوم انساني جهت ميدهد، مشخص مي‌كند كه ما كدام طرف داريم مي‌رويم، دانش ما دنبال چيست. وقتي علوم انساني منحرف شد و بر پايه‌هاي غلط و جهان‌بيني‌هاي غلط استوار شد، نتيجه اين ميشود كه همه‌ي تحركات جامعه به سمت يك گرايش انحرافي پيش ميرود.» (13/7/1390)  «علوم انساني هواي تنفسي مجموعه‌هاي نخبه كشور است كه هدايت جامعه را بر عهده دارند بنابراين آلوده يا پاك بودن اين هواي تنفسي بسيار تعيين كننده است … اصلاح در علوم انساني و تحول در سينما و تلويزيون بدون اصلاح پايه‌هاي معرفتي علوم انساني غربي امكانپذير نيست و اصلاح اين پايه‌ها نيز در گرو ارتباط مؤثر با حوزه‌هاي علميه و علماي دين است.» (1/12/1391)  «به نظر بنده اساسي‌ترين كار هم اين است كه مبناي علمي و فلسفي تحوّل علوم انساني بايد تدوين بشود؛ اين كار اساسي و كار اوّلي است كه بايستي انجام بگيرد.» (19/9/1392)  «مبناي علوم انساني غربي، مبناي غيرالهي است، مبناي مادّي است، مبناي غير توحيدي است؛ اين با مباني اسلامي سازگار نيست، با مباني ديني سازگار نيست. علوم انساني آن‌وقتي صحيح و مفيد و تربيت‌كننده‌ي صحيح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند كه براساس تفكر الهي و جهان‌بيني الهي باشد؛ اين امروز در دانشهاي علوم انساني در وضع كنوني وجود ندارد؛ روي اين بايستي كار كرد، فكر كرد. البتّه اين كار، كار شتاب‌آلودي نيست - كار بلندمدّتي است.» (11/4/1393)  «تحوّل در علوم انساني كه به دلايل بسيار يك امر لازم و ضروري است، نياز دارد به جوششي از درون و حمايتي از بيرون. خوشبختانه جوشش از درون امروز هست … حمايت از بيرون هم بايد وجود داشته باشد.» (13/4/1394)  «هم فقه ما، هم جامعه‌شناسي ما، هم علوم انساني ما، هم سياست ما، هم روشهاي گوناگون ما بايد روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهاي خبره، به دست آدمهاي وارد، به دست انسانهاي اهل تعمّق و كساني كه اهليت ايجاد راه‌هاي نو را دارند؛ نيمه‌سوادها و آدمهاي ناوارد و مدّعي نميتوانند كاري انجام بدهند» (14/3/1395)  «ما حالا مي‌خواهيم وارد بشويم و اين مسائل را از آن ريشه‌ي به‌اصطلاح غير ديني يا بعضاً ضدّ ديني آن جدا كنيم و به يك منشأ قرآني و يك منشأ ديني و وَحياني متّصل كنيم. خب اين خيلي مهم است؛ اين يك تسلّط اساسي بر كارهاي ديگران لازم دارد؛ ما بايد بدانيم كه ديگران در اين زمينه‌ها چه كرده‌اند.» (1/3/1396)  «چرا در زمينه‌ي علوم انساني وقتي گفته ميشود كه بنشينيم فكر كنيم و علوم انساني اسلامي را پيدا كنيم، يك عدّه‌اي فوراً برمي‌آشوبند كه «آقا! علم است»؟ علم است؟ در علوم تجربي كه علم بودنش و نتايجش قابل آزمايش در آزمايشگاه است، اين‌همه غلط بودنِ يافته‌هاي علمي روزبه‌روز دارد اثبات ميشود، آن‌وقت شما در علوم انساني توقّع داريد [غلط نباشد]؟ در اقتصاد چقدر حرفهاي متعارض و متضاد وجود دارد! در مديريت، در مسائل گوناگون علوم انساني، در فلسفه، اين‌همه حرفهاي متعارض وجود دارد؛ كدام علم؟ علم آن چيزي است كه شما به آن دست پيدا كنيد، بتوانيد بفهميد آن را، از درون ذهن فعّال شما تراوش بكند. بايد دنبال اين باشيم كه ما توليد علم بكنيم؛ تا كي مصرف كنيم علم اين‌وآن را؟» (20/3/1397) |
|  |
| روند تأسيس | 1. تصويب طرح اجمالي 2. تأمين بودجه وهزينه طراحي تفصيلي شامل: ساختار و برنامه پژوهشكده 3. اصلاح و تصويب طرح تفصيلي 4. تأمين بودجه و سرمايه‌گذار تأسيس پژوهشكده 5. جذب نيروهاي متخصص و كاردان در موضوع علوم انساني اسلامي 6. فراهم كردن امكانات مورد نياز و تأسيس پژوهشكده علوم انساني اسلامي |
|  |
| گروه طراحي | پنج نيروي انساني توانمند و باتجربه و داراي تحصيلات دكترا در رشته‌هاي زيرمجموعه علوم انساني از حوزه و دانشگاه و داراي اثر علمي قابل توجه در موضوع تحوّل علوم انساني |
| زمان طراحي | شش ماه |
| هزينه طراحي | مبلغ دويست ميليون تومان پيش‌بيني مي‌شود. (معادل: -/000/000/000/2 ريال) |
| توضيح | جزئيّات برنامه عملياتي تأسيس پژوهشكده، شامل: موضوعات فعاليت، ساختار پژوهشكده، برنامه فعاليت‌ها و ريز هزينه‌هاي آن در طرح تفصيلي و در طيّ پروژه شش‌ماهه پس از تأييد و تصويب طرح اجمالي، توسط گروه طراحي تنظيم و تدوين خواهد شد. |
|  |